

## تعدد زوجات و ازدواج با محارم

ازدواج با بستگان نزدیک تقریباً در میان تمام مردم عملاً ممنوع است. عده محدودی از مردم قبایل بدوی ازدواج برادری و خواهر را ممنوع نمیدانند ولی تمام مردم رابطه جنسی با والدین را محکوم میکنند.

دردنیای امروز بشر نه تنها ازدواج با افراد خانواده را محکوم میکند بلکه زناشوئی با خویشاوندان درجه سه و چهار و دورتر را نیز توصیه نمیکند ولی در امپراطوری ساسانی زناشوئی با خواهر و زن پدر متداول بوده است مخصوصاً در خاندان سلطنتی با اعتقاد اینکه خون پاک خود را که میراث شاهانه است با دیگران مخلوط نکنند همانطور که مسلمانان بر عکس مسیحیان نکاح پسرعمو و دخترعمو را مستحب میدانند و میگویند عقد آنها در عرش بسته شده است ایرانیان بنا بر دستور اوستا زناشوئی برادر و خواهر را جالب نورایزدی میدانسته اند در افسانه ها بیان - الادیان و شرح لمعه با ازدواج (مجوس) با مادر و دختر و خواهر اشاره شده است، پری ساتیس خواهر داریوش و درعین حال زن او بوده داریوش دوم و داریوش سوم هم با خواهران خویش ازدواج کردند. قباد پدر نوشیروان خواهر زاده و یکی از خواهران خود را بزنی گرفت یکی از دختران خود (سانبیکه) را هم برای خودش نگاهداشت.

هم اکنون نیز اقوام مختلف در نکاح و زنا عقاید مختلف دارند بطوریکه در قوم مسلمان زناشوئی پسرعمو و دخترعمو را نکاح میدانند ولی اقوام دیگری رابطه جنسی آنها را بعنوان ازدواج نمی پذیرند و زنا همانند زیر ازدواج يك، امر قراردادی

و تشریحی است و در میان ملل مختلف مقررات گوناگون دارد و حریمیت و نامحریمیت يك مسئله اعتباری است و آنچه در نزد قومی نامحرم شناخته میشود برای اقوام دیگر الزامی نیست و ممکن است برعکس دیگران محرم بشناسند .

در امپراطوری ساسانی تعدد زوجات بسته بمیل و بینه مالی مرد بوده است و معمولاً يك مرد عادی ناچار با یكزن سر میکرد ولی طبقه اشراف گروهی زن داشتند که زن اصلی و اولی را پادشازن و زنان درجه دوم را که بعلت نازائی پادشا زن باصطلاح یدکی و کمکی بودند چکرزن میخواندند معمولاً پادشازن از لحاظ مقام و موقعیت خانوادگی از طبقه اشراف و باشوهر هم طراز بوده و چکرزنها از طبقات پائین تر و اغلب نقش يك کارمند و دستیار پادشازن را در خانه و خانواده داشتند .

در آن زمان یکنوع ازدواج خاصی هم بعنوان استقراضی و عاریت معمول بوده و در ازدواج عاریتی شوهر اصلی ملزم بر عاریت و جلب رضایت زن خود بوده است .

قانون ازدواج پدر با دختر بطوریکه در سیاحت نامه پریکوس ذکر شده یکی از مراسم تاتارهاست پریکوس در شرح حال سفارت خون مینویسد آتیلا با دختر خود اسکا ازدواج کرد . این رسم در قبایل وحشی قرون قدیم رایج بود ولی امروز در هیچ يك از اقوام و ملل اتفاق نمیافتند بلکه بصورت يك خیانت و واقعه خارق العاده تلقی میشود .

ازدواج پدر که مسئول تربیت و اعاشه و نگهبان عفت و عصمت دختر است با دختری که تحت ولایت اوست غیر از معایب طبیعی وحدت خود و جلو گیری از تشکیل خانواده جدید نفرت انگیز است بعلاوه از نظر اخلاقی هم موجب میشود که با ارتکاب حرکاتی باخلال در عفت وی کمک کند .

ازدواج با مادر هم نظم طبیعی را بر هم میزند و علاوه بر معایبی که در ازدواج با پدر ذکر شد اگر پسر با مادر وصلت کند وقتی که پسر بسن بلوغ میرسد و میتواند تولید مثل کند زن استعداد زائیدن را از دست داده است مع الوصف آشوریه با مادران

خود بعنوان احترام به سمیرامیس و ایرانیان با خواهران بر حسب دستور زرتشت ازدواج میکردند سمیرامیس ملکه افسانه بابل است که باهفت پسر خود بنام تبرک و تقدیس ازدواج کرد و با آسمان صعود نمود .

تعدد شوهران بین اعراب جاهلیت نیز مرسوم بوده و آنرا ازدواج ضمد میگفتند و در مورد شناسائی فرزندان بین شوهران هر کدام بیشتر به طفل شبیه بودند برای پدری انتخاب میشدند و در قبیله آندامانیت زن متعلق بتمام مردان خانواده و ارشد اطفال متعلق بار شد پدران و بهمین ترتیب بنسبت سن تقسیم میشده اند .

تعدد زوجات علل مختلف دارد گرمی آب و هوا نیز بآن کمک میکند منتسکیو در روح القوانین میگوید در اروپا پسر زیادتر از دختر است و بالعکس در آسیا و افریقا دختر زیادتر از پسر زائیده میشود بنا بر این قانونیکه تعدد زوجات را در اروپا منع و در آسیا و افریقا تجویز کرده از يك حیث مر برط به کمی زن در اروپا و فراوانی آن در آسیا و افریقاست ولی در نقاط سردسیر آسیا مثل تبت چون ماننداروپا پسر زیادتر از دختر بوجود میاید يك زن میتواند چندین شوهر اختیار کند .

در سرزمینهای جنوبی حرارت تناسلی زن و مرد زیاد است و در کشورهای گرمسیر زنها در سنین هشت و نه سالگی بالغ هستند و بعد از اینکه شوهر کردند بارور میشوند در واقع میتوان گفت که در نقاط گرمسیر ازدواج و باروری پشتهم صورت میگیرد و بهمین علت در کشورهای گرمسیر زنها در سن بیست سالگی طراوت خود را از دست داده اند و وقتیکه تازه میخواهد عقلشان روبه کمال برود پیر شده و زیبایی خود را گم کرده اند و بهمین جهت در کشورهای گرمسیر زنها تحت تمکین مردها هستند و ادعا و آزادی زنان غربی را ندارند زیرا بعلت از دست دادن طراوت و زیبایی نمی توانند در مردان نفوذ کنند در صورتیکه زنان اروپائی در اثر مختصات آب و هوا زیبایی خود را مدتی حفظ میکنند در زمان پیری هم در مردان نفوذ دارند و در کشورهای معتدل چون زیبایی زنها بیشتر دوام دارد و دیرتر بحد بلوغ میرسند و هنگام ازدواج تا حدی تجربه دارند و با شوهران خود تقریباً در يك سن

ويك موقع پير ميشوند مردها بيش از يك زن نمي گيرند بنا بر اين تعدد زوجات در اروپا و تجويز آن در آسيا معلول مقتضيات و چگونگي آب و هوا هم هست كما اينكه در نقاط سردسير مانند تبت چون مثل اروپا پسر خيلى بيش از دختر بوجود مي آيد يك زن ميتواند چندين شوهر اختيار كند .

حكومت انگليس چندي پيش نتيجه سر شماری هندوستان را منتشر كرده بود كه بر طبق آن احصائيه در هندوستان دويست و پنجاه هزار دختر چهارساله شوهر دار دو ميليون نفر زنهای نه ساله شش مليون خانمهای دوازده ساله و نه ميليون زوجياتي كه سنشان از پانزده کمتر و از بيست بيشتر نبوده بحساب آورده اند .

اين مزاجتها اختياري نيست. دختران هندوهر قدر هم زود بحد بلوغ برسند در چهار و پنج سالگي ابدأ با عشق و مزاجت سرو كار ندارند . اين وصلتها معامله تجارتي بوده كه از طرف پدر و مادراطفال صورت ميگرفت و بر حسب عادت پدرها بايد هر چه زودتر براي دختران خود شوهر پيدا مي كردند و كساني كه در اداء اين وظيفه غفلت مينمودند مثل اين بود كه جنايت بزرگي مرتكب شده باشند .

البته پس از وقوع مراسم نكاح دختر بخانه والدين خود بر گشته درده يادوازده سالگي نزد شوهرش ميرود .

در نتيجه ميليون ها دختر در سيزده سالگي مادر بين بيست و سي سالگي جده ميشوند .

بحكايت آمار مذكور در آن زمان از ۵۲ كرور بيوه زن هندی ۱۰۰۰۰ نفر چهارسال ۵۰۰۰ هزار نفر نه سال و بقيه نفر چهارده سال بيشتر نداشته است .

پس تعدد زن يا تعدد شوهر هر دو تا حدى بستگي به آب و هوا دارد و همانطور كه در گينه جديد بر اثر حرارت و شهوت بعضي از زنها جبراً مردها را وادار به هم خوابي ميكنند و بر عكس در كشورهای شمالي اروپا كه زنها احساساتي ملايم دارند يك مرد براي يك زن كافيت و عشق و محبت زن بشوهر حافظ عفت و ناموس آنهاست و آزادانه با مردان معاشرت ميكنند و فتنه و فساد و بي عفتي هم رايج نميشود .

علت اقتصادي و علت جنگي هم از طرف ديگر در رواج تعدد زوجات اثر داشته

است. مسلمین در دوران خلفا زنان ترك و رومی را باسارت میبردند و هریك دارای چند زن و چندین کنیز بودند **متوكل عباسی** چهار هزار کنیز داشت **عبدالله طاهر** هم چهارصد نفر برایش هدیه فرستاد **هارون الرشید** دوهزار کنیز موسیقی دان جمع کرده بود **الحاکم بامرالله فاطمی** خلیفه مصر قریب ده هزار و خواهرش هشت هزار کنیز داشت وقتی **صلاح الدین ایوبی** مصر را تصرف کرد در عمارات سلطنتی دوازده هزار زن بود .

دین اسلام تعداد زوجة را محدود کرد و مقرر داشت که اگر انسان یقین نداشته باشد که میتواند بعدالت بازنهای خود رفتار کند نباید زن متعدد بگیرد مع الوصف مردمی که به تعدد زن رغبت دارند پیغمبر اسلام را بطور مثال اسم میبرند و بعنوان اینکه پیغمبر زنهای متعدد داشته سه چهار زن میگیرند و شهوت رانی خود را در لقا فیه پیروی از دین و تقلید از پیغمبر مخفی میکنند غافل از اینکه پیغمبر صلی الله علیه و اله بیست و سه ساله بود و با خدیجه چهل ساله ازدواج کرد و بیست و هشت سال با وی زیست و سن مبارکش از پنجاه تجاوز نمود و در طول این مدت و در زمانیکه تعدد و کثرت ازدواج شایع و رایج بود با دیگری تزویج نکرد با این حال بعد از پنجاه سالگی در ظرف پنج سال با داشتن پنج زن که یکی از آنها عایشه جوان بود بیش از هشت زن و در ظرف هفت سال نه زن گرفت و از خدیجه چندین پسر و دختر آورد و از **ماریه قبطی** که در حدود شصت سال داشت ابراهیم متولد شد ولی از سایر زنان که همه شایسته بارآوری بودند فرزندی بوجود نیامد . بیست و هشت سال که گذشت و خدیجه بسر ای دیگر شتافت سوده دختر زمه را که بیوه بود و مال و جمال هم نداشت گرفت سوده زن یکی از مسلمانان اولی بود که مشقت زیادی کشید . و از دست کفار با اجازه پیغمبر با شوی خود به حبشه فرار کرد و پیغمبر پیاس آن زحمات و مشقات او را بخانه خود آورد .

عایشه و حفصه نیز دختر ابوبکر و عمر بودند که پیغمبر بمصاهره آنها اقدام کرد و همانطور دو دختر خود را بحضرت امیرالمومنین علیه السلام و عثمان دادتا همگی بهم بسته و پیوسته باشند و چگونگی این ازدواجها بخوبی نشان میدهد که

بمنظور جنسی و شهوترانی نبوده است زینب دختر خزیمه نیز زنی بود که شوهرش در جنگ بدر شهید شد زینب جوان نبود مال و منالی هم نداشت و بعد از یکی دو سال هم دارفانی را وداع گفت .

۱۴ سلمه قبلا زن ابوسلمه بود - ابوسلمه در جنگ احد زخمی شد و پس از بهبودی مأمور جنگ با بنی اسد گشت و پس از مراجعت در اثر جراحات همان جنگ احد در گذشت پس از چهار ماه پیغمبر ۱۴ سلمه را بخانه خود طلبید ۱۴ سلمه بکثرت فرزند و پیری خود متعذر شد ولی محمد برای سرپرستی آنها او را تزویج فرمود در صورتیکه اگر پیغمبر برای جمال زن میخواست از دخترهای مهاجر و انصار کسانی بهتر از ۱۴ سلمه یافت میشد .

زینب زن مطلقه زید دختر عمه حضرت بود و تحت نظر و توجهات او تربیت شد که بمنزله دختر یا خواهر کوچک پیغمبر تلقی میشد و مسلماً قبل از ازدواج بازید پیغمبر او را می شناخت زید هم غلام زر خرید خدیجه بود که پیغمبر آزادش کرد و وقتی پیغمبر زینب را برای زید خواستگاری کرد عبدالله برادرش موافق نبود که دختری از طبقه اشراف زوجه غلام زر خرید شود و پیغمبر هم میخواست با این ازدواج بمردم بفهماند که عرب بر عجم برتری ندارد و برتری کسی بردیگری جز بتقوی ممکن نیست و برای نسخ این عادت ورد این اندیشه ناپسندراضی شد دختر عمه خود را به زید بدهد و از مال خود مهر زینب را پرداخت ولی زینب سازش نکرد و کار بطلاق کشید .

باتوجه بسوابق بخوبی درک میشود که اسلام در مورد تعدد زوجات و برده - گیری باقتضای اوضاع و احوال و زمان و مکان نکات فراوانی را رعایت کرده و دائره وسیع تعدد زوجهراباشراطی که در مقام منع است به چهار زن محدود کرده است برده - گیری را نیز بطور کلی منع نکرد زیرا آنها یکی از حالات هیئت اجتماعی بشر تا ظهور اسلام و در تمام دنیا رایج بود و تا اسباب و موجبات باقی بودند همیشه نتیجه را تغییر داد و بهمین علت دائره راتنگ کرد و روابط بین مالک و بنده را قسمی مقرر داشت

که در عالم نظیر ندارد . فرمود برده برادرشما است کسی نگوید بنده من یا کنیز من بگوئید پسر من دختر من فرزند من .

بقدر امکان و باندازه‌ای که اوضاع و احوال اجازه میداد دائره این عادت زشت را تنگ و ترتیب آن را تعدیل فرمود . مقرر داشت که برده‌گیری روا نیست مگر در جنگ شرعی با ملت محارب بشرطیکه امام حکم بندگی آنها را بدهد و اگر آزادی آنها را اصلاح دید آزاد هستند و باین وسیله بسیاری از وسائل برده‌گیری موقوف شد .

مردم را تشویق کرد که برده را آزاد کنند و خود پیشقدم شد زید ابن حارثه را آزاد کرد و دختر عمه خود (زینب) را بنکاح او در آورد و اجازه داد که ثروتمندان بابت ذکوة بنده را خریده آزاد کنند . کما اینکه در مورد تعدد زوجات نیز مواردی را تجویز کرد که مقرون بعدالت و همراه مصلحت جامعه و قوم مسلمان باشد نه در راه شهوت و بطوریکه اشاره شد اوضاع اجتماعی گاهی اقتضا میکرده است که مردها زنهای متعدد داشته باشند مثلاً در نتیجه جنگهای پی‌درپی و کشتار فراوان مردان طبعاً مرد کم میشده و ناچار بوده‌اند چندین زن را نگهداری کنند و تعدد زنهای پیغمبر نیز مواجه با چنین مواردی بوده است .

خلاصه اینکه در اسلام اگر رعایت دستور و مقررات آن بشود اجازه همسری با چندین زن در حکم منع است در ایران هر چند برای مردم عادی حداکثر بیشتر از چهار زن جائز و عادت نبود پادشاهان برای خود حد و حصری نمیشناختند و هنوز داستان رسوائی اندرون فتحعلی‌شاه و حرم ناصرالدین شاه فراموش نشده است ولی محمدرضا شاه پهلوی که از ملکه ثریا بی‌فرزند ماند و میتواندست چنانکه رسم بود و منع قانونی هم نداشت بعد از عنوان فراهم ساختن وارث تاج و تخت قانونی برای کشور از تجویز شرعی تعدد زن استفاده کند مع الوصف از ملکه ثریا جدا شد و این روش پسندیده را در خانواده سلطنتی گذاشت که زناشوئی را یک امر اجتماعی و اخلاقی شناخته محیط دربار را از اندرون و حرم و از بساط تمتع از کثرت و جمعیت زنان بدور داشت .

تعدد زن از عادات قدیمی بود و مردم زن را موجودی بین مرتبه انسان و حیوان میدانستند ولی تربیت زنان در کشورهای مترقی اخیراً ثابت کرد که زن آن موجود ساده نیست که باندیشه بعضی قدمای نادان فقط برای تمتع و تولیدنسل خلق شده باشد. معلوم شد شایستگی وی مانند مرد است و میتوان وظایف مهمی را انجام دهد. ثابت گردید که انحطاط او عارضی بود نه ذاتی و طبیعی. زن در سایه تعلیم و تربیت چنان بیدار و هشیار و در عقل و احساس تقویت شد که در فکر و اندیشه مردم پیش نمیگنجید و طوری در طریق ترقی حرکت میکند که در آینده نزدیکی هیچ رشته‌ای از علم و حتی صنعت تجارت و اجتماع و سیاست یافت نخواهد شد که زن در آن دخیل نباشد و این دانش و بینش زن خود مانع تعدد زوجات خواهد بود زیرا حریم زن اول حصار زن بعدی بود و بیداری نسوان وسیله تجدید حیات ایشان است.

در صدر اسلام نیز بانوان بشماری قدرت شگفت‌انگیز زن را نشان دادند و با مرد همدوش و همقدم بودند سکینه خاتون دختر سیدالشهدا علیها السلام در علم و شعرو زهد و تقوی مشهور است بی رن مستشرق معروف فرانسوی او را بانوی بانوان زمان خود خوانده است خانه‌اش کعبه علما و ادبیا بود و شعرای نامی او را در محاکمات ادبی خود حکم قرار میدادند.

شهبه (فخر النساء) در قرن پنجم هجری در جامع بغداد تاریخ و ادبیات را تدریس میکرد و بسیاری از بزرگان علم و معرفت در مجلس درس او حاضر میشدند. ام‌عطیه گفته است «در هفت جنگ بارسول خدا بودم» من در منزل گاه میماندم تهیه غذا و پرستاری بیمار مجروح را بعهده داشتم. که این حکایت فداکاری دختر پرستار را در جنگ اخیر دین بین فو بخاطر میاورد که در بین مجروحین و مقتولین دین بین فو ماند به تنهایی تا دقایق آخر انجام وظیفه کرد و بعنوان قهرمانی مفتخر گردید.

آنان که از نهضت بانوان در اروپا و آمریکا باخبرند و اساس تمدن اروپا را



باعمال مفید و گرانبهای نسوان پیوسته میدانند اگر در مقام مقایسه صفات عالیه زن براینند در صدر اسلام بانوان بیشمار و نمونههای فراوانی را در فعالیت‌های علمی و اجتماعی و ایرادخطابه و قیام و مقاومت و مسائل و امور خیریه خواهند یافت که ما در مقالات دیگری معرفی خواهیم کرد.

مقصود این است که در صدر اسلام حقوق و حدود زن بطوری تنظیم و تدوین و دائره تعدد زوجه بقدری کوچک شد که حقوق اکتسابی در طول تاریخ تمدن قابلیت مقایسه با آن را ندارد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی